

ارائه الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست: رویکرد مدیریت سبز منابع انسانی

پوریا سالاریان^۱، طیبه عباسی^۲، حسن رنگریز^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

چکیده

توجه به رویکردهای نوین در مدیریت سبز منابع انسانی و مشارکت در حفاظت از محیط زیست مورد توجه اقتصادهای پیشرو و شرکت‌های چند ملیتی است. در این میان مسائل زیست محیطی و توجه به مشارکت اجتماعی و شهروندی مورد توجه بسیاری از فعالان مدیریت منابع سازمانی و محیط زیست می‌باشد. لذا هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش داده بنیاد انجام گرفت. جامعه‌ی آماری شامل کلیه متخصصان در زمینه محیط زیست و مدیریت سبز هستند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با هجده نفر از اساتید دانشگاه و متخصصان جمع‌آوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. برای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و کوبا استفاده شد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی نوزده مفهوم محوری و شش مقوله منتخب است که در قالب مدل پارادیمی شامل تمرکززدایی در حوزه محیط زیست و تقویت هویت اجتماعی-زیستی به عنوان شرایط محوری و شرایط علی (مشمول بر محورهای چون شبکه‌سازی و تعاملات اجتماعی و همسوسازی راهبردی)، شرایط زمینه‌ای (مشمول بر محورهای چون فعالیت بخش‌های خصوصی، رویکردهای حفاظتی و عوامل مدیریتی)، شرایط مداخله‌ای (مشمول بر محورهای چون قوانین و مقررات، سازوکارهای اقتصادی و پیشران‌های محیطی) و شرایط راهبردی (مشمول بر محورهای چون ارتقاء سطح مسئولیت، نیازسنجی استراتژیک و مقبولیت بخشی زیست محیطی) و پیامدها مورد سازماندهی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: ظرفیت‌سازی نهادی، خط و مشی‌گذاری شهروندی، محیط زیست و مدیریت سبز

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

^۲ دانشیار، گروه خط‌مشی‌گذاری و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

tabbasi@ut.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه آموزشی مدیریت کسب و کار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه به دنبال ظهور انقلاب صنعتی و فناوریانه، دغدغه و نگرانی‌های مربوط به مسائل زیست‌محیطی افزایش یافته است (رنجبران، ۱۴۰۰). از جمله دغدغه‌های زیست‌محیطی مطرح، گرم شدن کره زمین، تغییرات اقلیمی و جنگل‌زدایی، آسیب‌هایی شامل تخریب لایه ازن، افزایش ضایعات جامد تجزیه‌ناپذیری و سایر اثرات منفی مرتبط با محیط‌زیست است (ویلکایت و همکاران^۱، ۲۰۱۹، محمود^۲، ۲۰۱۸). نگرانی‌های مذکور، لزوم توجه به مقوله‌های سلامت محیط‌زیستی و بوم‌سازی آن را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است و جوامع جهانی را بر آن داشته است تا به مسائل محیط‌زیستی توجه بیشتری به خرج بدهند و قوانین و مقررات متعددی در راستای تثبیت و کنترل اقدامات محیط‌زیستی در توافقنامه‌های بین‌المللی وضع نمایند (مهرج و همکاران^۳، ۲۰۲۰). در این شرایط، سازمان‌ها نقش دوگانه و مهمی می‌توانند ایفا نمایند؛ آن‌ها نه تنها می‌توانند مانع از آسیب‌پذیری زیست‌محیطی از این شرایط باشند بلکه می‌توانند نقش آسیب‌رسان نیز داشته باشند، بنابراین انتظار می‌رود که سازمان از روش‌ها و رویه‌هایی استفاده کنند که نه تنها نیاز کارمندان، مدیران و سهامداران را مرتفع نماید بلکه در راستای پاسخگویی به نیازها و دغدغه‌های بلندمدت مردم و جامعه نیز باشد (الکاسر، سینگ^۴، ۲۰۱۹). در همین راستا، استفاده پایدار از منابع طبیعی (مواد و انرژی) و محیط‌زیست در جهان به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در جوامع تبدیل شده که گسترش آن از حیطة اختیار و وظایف انحصاری دولت‌ها خارج است و موضوعی حیاتی برای کل افراد و گروه‌های جامعه به شمار می‌آید، یعنی موضوعی که نه فقط جزء جدانشدنی قوانین و سیاست‌های اجرایی جوامع امروزی به حساب می‌آید، بلکه تغییر رفتار و سبک زندگی تمام افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه در قرن بیست و یکم را می‌طلبد (دالگوتی و همکاران^۵، ۲۰۱۸). ناآگاهی مردم نسبت به مسائل زیست‌محیطی یکی از اصلی‌ترین علل تخریب و آلودگی محیط‌زیست است به طوری که با افزایش سطح آگاهی‌های مردم در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست، می‌توان امید داشت که در آینده به بهبود وضعیت زیست‌محیطی نائل آمد (راد و جباری، ۱۴۰۱). از جمله عواملی که به تشدید وضعیت نابهنجار زیست‌محیطی منجر شده است، گسترش جوامع انسانی و توسعه شهرنشینی است. روشن است با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل محیط‌زیستی، پرهزینه بودن روش‌ها و ابزارهای مقابله با آن، یکی از بهترین گزینه‌ها بهره‌گیری از مشارکت شهروندی است (کریمی و امیری، ۱۴۰۱).

مفهوم مشارکت در روزگار حاضر و تجلی آن در جوامع بشری موضوعی بسیار پراهمیت تلقی می‌گردد این اهمیت تنها ناشی از این نیست که مشارکت مردم در اداره امور جامعه خود، به مثابه ابزاری تلقی می‌شود که موجب تقسیم مسئولیت‌های جمعی شده و شراکت همه مردم در کارها و دستیابی به اهداف گروهی را تسهیل می‌نماید؛ بلکه امروزه مشارکت مردمی علاوه بر اینکه روش و ابزاری جهت نیل به اهداف جمعی است، خود از اهداف اصلی توسعه پایدار اجتماعی، فرهنگی به شمار می‌آید و توسعه همه‌جانبه اجتماعی - سیاسی و حتی اقتصادی جوامع در گرو و وابسته به آن پنداشته می‌شود (پاکرو و ستارزاده، ۱۴۰۱). در ادبیات توسعه به‌ویژه توسعه پایدار واژه مشارکت جایگاه خاصی دارد و این واژه امروزه به یکی از واژه‌های کلیدی فرهنگ توسعه تبدیل شده است. با این وجود هنوز برداشت مشخص و یکسانی از مفهوم مشارکت وجود

¹ Vilkaite-Vaitone & Skackauskiene

² Mahmoud

³ Mehraj & Qureshi

⁴ El-Kassar & Singh

⁵ Dagiliūtė, Liobikienė & Minelgaitė

ندارد. این تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نیست، بلکه ریشه‌های تاریخی کاربرد عملی و دلالت‌های نظری آن را نیز در برمی‌گیرد (فتیحی، ۱۳۹۳). اهداف مشارکت شامل حساس‌سازی مردم برای افزایش قدرت و توانایی پذیرش و پاسخ‌آنها در برابر پروژه‌های توسعه، برقراری یک گفتگو میان مردم محلی و کارکنان مسئول آماده‌سازی، اجرا، نظارت و ارزشیابی به‌منظور لینک اطلاعات درباره شرایط محلی و اثرات اجتماعی پروژه، مداخله داوطلبانه در تغییرات تعیین‌شده توسط خود آنها و دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگی خود و محیط‌زیست خود می‌شود. مشارکت در واقع فرایندی است چندبعدی که در پاسخگویی به شرایط ویژه در نقاط مختلف شکل‌های متفاوت به خود می‌گیرد و هیچ روش خاصی برای نظارت بر آن وجود ندارد و تفسیر آن تحلیل‌هایی است که به‌کاربرده می‌شود (اقامیری، ۱۴۰۰). مشارکت دارای انواع گوناگونی است که می‌توان به مشارکت از نوع ابزاری، ارادی، برانگیخته، پیمانی، تحمیل‌شده، توسعه‌ای، مشاوره‌ای اشاره کرد. مشارکت شهروندی، نوعی از مشارکت است که هم‌راستا با توسعه شهری است و می‌توان به نتایج آن در بهبود وضعیت جامعه امیدوار بود (رضوانی، ۱۳۹۰).

مشارکت شهروندی به مداخله مستقیم شهروندان در اثرگذاری بر حکمروایی شهری، برنامه‌ریزی، و تصمیم‌گیری اطلاق می‌شود. مجموعه بزرگی از پژوهش‌های تجربی از رشته‌های علوم اجتماعی مختلف بر این باورند که مشارکت شهروندی می‌تواند کارایی و عدالت را در برنامه‌ریزی افزایش دهد و تسلط نخبگان، حامی پروری، و محروم شدن برخی گروه‌ها از دسترسی به خدمات عمومی را کاهش دهد (پاندیا و شریتا، ۲۰۱۶). مشارکت شهروندی در جامعه شهری و تحقق شهروندی-در-عمل، پیامدهای مناسب و دوجانبه‌ای هم برای شهروندان (خصوصاً در اجتماعات محلی) و هم حکومت‌های محلی و دولت‌های شهری دارد؛ از جمله بسط توانایی‌های افراد، تقویت حس اعتماد اجتماعی و اطمینان اجتماعی به حکومت محلی، تقویت حس همکاری میان شهروندان و مدیران شهری، حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان، تقویت حس هویت شهری و احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری (پاکرو و ستارزاده، ۱۴۰۰). در این راستا، باید توجه داشت که تحقق مشارکت شهروندان در اداره شهرها، مستلزم ظرفیت‌سازی‌هایی در ابعاد نهادی و سازمانی فضاها شهری است (لاله پور، ۱۳۹۶).

کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۶ در تعریف ظرفیت‌سازی بیان می‌کند که ظرفیت‌سازی مشابه واژه توسعه پایدار با دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در ابعاد انسانی، فنی، مالی، علمی، فرهنگی و نهادی در ارتباط است. در واقع فرایند و وسیله‌ای است که در طی آن دولت‌ها و نهادهای محلی و اجتماعات محلی، مهارت‌ها و دانش خود در زمینه مدیریت منابع محیطی و طبیعی به نحوی پایدار در طی فعالیت‌های روزانه خود ارتقا دهند (بیکر، ۲۰۱۵). تلاش‌های ظرفیت‌سازی در تمام سطوح اجتماعی، به‌عنوان سیاستی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر برای آینده توسعه پایدار مورد دفاع و حمایت قرار گرفته است. ظرفیت‌سازی نهادی، ظرفیت‌سازی جامعه در سطح نهادی باید شامل کمک به نهادهای از پیش موجود در کشورهای در حال توسعه باشد. نباید ساخت مؤسسات جدید را مهم‌تر از مدرن‌سازی مؤسسات موجود بداند و باید از مؤسسات با روش‌های دقیق، ساختارهای سازمانی و روش‌های مؤثر مدیریت و کنترل منافع پشتیبانی کند (جرونن^۱، ۲۰۲۰). برای اثرگذار بودن، ظرفیت‌سازی نهادی باید شامل تمامی جنبه‌ها در توسعه منابع انسانی، توسعه سازمانی و توسعه نهادی باشد (آقالیخانی و برک پور، ۱۳۹۲). لذا بررسی ظرفیت‌سازی در سطح نهادی برای اهداف مشارکت شهروندی

¹ Pandeya & Shrestha

² Jeronen

از موضوعات مهم و مغفول در حوزه پژوهش‌های پیشین است (لاله پور، ۱۳۹۶؛ رضوانی، ۱۳۹۰؛ کریمی و امیری، ۱۴۰۱). علاوه بر این، با نگاهی تاریخی به این موضوع درمی‌یابیم که صرف‌نظر از برخی فعالیت‌های مشارکت‌جویانه که در فرهنگ ایرانیان وجود دارد، متأسفانه در دهه‌های اخیر، مشارکت شهروندان در امور زیست‌محیطی در سطح پایینی قرار داشته است و نتوانسته به اهداف اجتماعی همچون تقویت کیفیت محیطی و ارتقا شاخص‌های زیست‌محیطی دست یابد؛ لذا لزوم توجه به ظرفیت‌های نهادی و استفاده از حداکثر بهره‌وری نهادی در این زمینه بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

مدیریت منابع انسانی سبز بخشی از چهارچوب وسیع‌تر مسئولیت اجتماعی سازمان است (محمدرضایی و همکاران، ۱۴۰۲) و معنای آن به کارگیری خط‌مشی‌های منابع انسانی جهت ارتقای استفاده پایدار از منابع سازمان و پشتیبانی از محیط‌زیست است (صفری و اوتق، ۱۴۰۲). هدف اصلی و اولیه آن توسعه حساسیت زیست‌محیطی در کارکنان و آگاه کردن آن‌ها در این که چگونه رفتارشان ممکن است بر محیط‌زیست تأثیر بگذارد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۸). به‌طور کلی، مدیریت منابع انسانی سبز اشاره به این موضوع دارد که می‌باید منابع انسانی را به‌گونه‌ای بازطراحی یا مهندسی مجدد نمود که نسبت به قوانین، سیاست‌ها، منابع، درست مصرف کردن، اسراف نکردن و... حساس شوند و بدین طریق موجب مصرف بهینه و هدفمند منابع و کاهش آلودگی محیط‌زیست شوند (رنویک و ردمن، ۲۰۱۳). مدیریت منابع انسانی سبز، به دنبال استفاده بهینه از منابع کمیاب محیطی است و تأکید آن بر فلسفه، خط‌مشی و فعالیت‌هایی است که سازمان‌ها را در سیدن به اهداف سبز یاری می‌کند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ نیلی پور و همکاران، ۱۳۹۵). ملاحظات زیست‌محیطی در حال حاضر بر طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های تجاری، از جمله بازاریابی سبز، عملیات سبز و حسابداری سبز، تأثیر می‌گذارد. به دلیل این که افراد متعهد به برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای فعالیت‌های مدیریت سبز هستند مدیریت منابع انسانی سبز به‌عنوان یک مفهوم در نظریات آکادمیک ظهور کرد (لو و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های مختلف به بررسی مؤلفه‌های ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه‌ی محیط‌زیست در سازمان پرداخته‌اند و ضرورت آن را بیان داشته‌اند به عنوان نمونه:

کنان^۲ (۲۰۲۴) در پژوهش خود در زمینه شاخص‌های ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه مشارکت شهروندی در حفظ محیط‌زیست مؤلفه‌هایی چون تسهیل‌گری عمومی و گسترش دامنه مشارکت شهروندی، استفاده از ظرفیت‌های بزرگ، توجه به جغرافیای سرزمینی در حوزه سیاست‌گذاری و در نظر گرفتن فرهنگ را بیان داشت.

تلادیا^۳ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود توجه به خلاقیت و ابتکار محلی در راستای انتقال انرژی‌های پاک، مشارکت در طرح‌های جهانی و بوم‌شناختی مصرف انرژی را از زمینه‌های مؤثر در مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست بیان داشتند.

گانسا^۴ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود مؤلفه‌هایی چون ارتقا اطلاعات، ارتباطات و رضایت از طراحی در حوزه شهروندی، افزایش درک اجتماعی و زیست‌محیطی شهروندان از محیط پیرامونی را از زمینه‌های مؤثر در مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست بیان داشتند.

¹ Lu et al

² Keenan

³ Teladia

⁴ Canessa

آموزش منابع انسانی در جوامع زمینه اصلی تحول در مشارکت مدنی و زیستی است از این رو توجه به طراحی الگوهای برای افزایش مشارکت شهروندان در حیطه محیط زیست منجر به بهبود وضعیت جاری خواهد شد از این رو در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا با استفاده از مبانی نظری و با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد و دیدگاه متخصصان موضوعی به طراحی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه خط و مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست در سازمان‌ها پرداخته شود. از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا با بررسی دیدگاه متخصصان موضوعی و اساتید به طراحی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه خط و مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست در سازمان پردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف پژوهش طراحی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست طبق نظر متخصصان موضوعی بود، از این رو پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و از لحاظ روش، مبتنی بر مطالعات داده بنیاد می‌باشد. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در رویکرد سیستماتیک محقق باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری مرحله‌مندی (باز، محوری و انتخابی) را به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (فراستخواه، ۱۳۹۸). جامعه مورد مطالعه این پژوهش کلیه متخصصان موضوعی در زمینه محیط زیست و مدیریت سبز منابع انسانی بودند. از این رو مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۱۸ نفر از اساتید و متخصصان در زمینه محیط زیست، علوم اجتماعی و مدیریت دولتی (با توجه به ملاک ورود داشتن مدرک دکتری تخصصی در زمینه تخصصی و حداقل دو اثر پژوهشی در زمینه مدیریت سبز) بودند. جهت محرمانه ماندن هر کدام از شرکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هر کدام از آن‌ها یک کد اختصاص داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری و ج) کدگذاری انتخابی انجام شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن^۱ ۱۹۸۰ استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار^۲، قابلیت انتقال^۳، قابلیت اتکا^۴ و قابلیت تأیید^۵» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش بر شمردند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء شرکت‌کننده استفاده شد. در زمینه قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین قرار داده شد. در زمینه قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و در زمینه قابلیت تأیید مرور و بازخورد هم‌تایان بکار برده شد.

یافته‌های پژوهش

محققان برای دستیابی به نظریه برآمده از خصوصیات واقعی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست با اطلاع‌رسان‌های کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی با موضوع پژوهش داشتند، گفتگو کردند و کوشیدند تا در ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجارب آن‌ها تعمق کنند. دراثنا مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها عیان می‌شدند و ذهن پژوهشگران را به قضایا و گزاره‌های مختلفی

¹ Guba & Lincoln

² . Credibility

³ Transferability

⁴ Dependability

⁵ Conformability

مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست و وضعیت آن سوق می‌دادند. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، بر اساس مشابهاات، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت (اشتروس و کوربین، ۲۰۰۸). این الگو شامل ۶ محور است که در ادامه گزارش شده است.

شرایط علی: این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده یا طبقه هسته‌ای می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). کدهای مربوط به آن‌ها به شرح جدول (۱) است:

جدول (۱): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط علی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
شبکه‌سازی و تعاملات اجتماعی	شبکه‌سازی	سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه در راستای به کارگیری ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در دستور کار قرار گیرد.
		به منظور شبکه‌سازی در بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع می‌بایست در موضوعات مربوط به محیط زیست انجام شود.
		فعال‌سازی مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت مشارکت آحاد جامعه حائز اهمیت است.
	توسعه سیستم‌های اطلاعاتی	تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران شکل گیرد.
		یکپارچه‌سازی اطلاعاتی و ایجاد سطح دسترسی در بین آحاد جامعه
		سطح دسترسی اطلاعاتی و یکسان‌سازی اطلاعاتی در حوزه مسائل و مباحث مربوط به محیط زیست
	ارتقاء سرمایه اجتماعی در سازمان	ارتقای سطح مسئولیت اجتماعی و اعتمادسازی در بین سرمایه‌گذاران و برقراری فرصت رشد برابر برای سهامداران
		اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به صورت‌های مالی، ارتقای عملکرد اجتماعی، مسئولیت واحدهای تجاری در قبال تأثیرشان بر جامعه
		افشای جداگانه تحت عنوان گزارش مسئولیت اجتماعی در حوزه محیط زیست
		فرصت رشد برابر برای افراد جامعه در حوزه خط‌مشی‌گذاری و مشارکت در زمینه محیط زیست
همسوسازی راهبردی	خدمات محوری نهادها	لزوم توجه به اولویت‌زیرساخت‌های زیست‌محیطی در سازمان‌ها
		توجه به مأموریت‌های محوله در سازمان‌های ذی‌نقش
	هماهنگ‌سازی دستگاه‌های ذی‌نقش	سیاست‌گذاری صحیح، ایجاد شرایط و مقررات برای فعالیت در امور زیست‌محیطی و مشارکت جامعه
		وجود زیرساخت‌های تخصصی و نظارتی در زمینه هماهنگ‌سازی سازمان‌ها
	اصلاح قوانین	لزوم اصلاح قوانین دست و پاگیر و بی‌فایده در حوزه محیط زیست
		لزوم وضع قوانین و هماهنگی اجرایی از سوی دستگاه‌های بالادستی
		لزوم بررسی دقیق قوانین سازمان‌ها در زمینه محیط زیست

شبکه‌سازی و تعاملات اجتماعی: شبکه‌سازی به عنوان یک فعالیت اجتماعی امروزه جایگاه ویژه‌ای بین افراد و همچنین سازمان‌های مختلف دارد (الکاسر و سینگ^۱، ۲۰۱۹). در دنیای امروز بدون ارتباطات نمی‌توان به رشد و ارتقاء شخصی و یا گسترش کسب و کارها دست پیدا کرد به عبارت دیگر، شبکه‌سازی به عنوان یک راهکار موثر در ایجاد و

¹ Elkasar and Singh

حفظ ارتباطات با افراد مختلف در محیط‌های گوناگون است تا از این طریق بتوان با معرفی مهارت‌ها و توانایی‌های خود یا سازمان به رشد و گسترش آن کمک کرد به همین منظور، در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری عمومی در زمینه مسائل زیست‌محیطی جهت ظرفیت‌سازی نهادی می‌توان از این ابزار نهایت بهره را بُرد همچنین شبکه‌سازی یکی از ارکان مهم خط‌مشی‌گذاری و مدیریت سازمانی است (محمود، ۲۰۱۸). هر رهبری در هر جایگاهی برای موفقیت در امر رهبری نیاز به ابزارهای خاصی از جمله شبکه‌سازی قدرتمند دارد تا با استفاده از آن بتواند پس از ساختن یک شبکه منسجم سازمانی این ساختار منسجم را به سمت جایگاه مطلوب خود رهبری کند. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌شود: "امروزه شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در آموزش آحاد جامعه و آموزش‌های سازمانی به نیروهای انسانی را دارند، اما متأسفانه ما یا اون‌ها رو نادیده گرفتیم یا با ابزارهای قهری مثل فیلترینگ از آن به عنوان یه دشمن یاد کردیم در صورتی که با مدیریت مناسب آن خودش می‌تونه رویکرد آموزش مناسبی رو بدون صرف هزینه زیاد برای افزایش آگاهی عمومی در حیطه‌هایی چون محیط زیست فراهم آوره"

همسوسازی راهبردی: برخی از محققین همسوسازی راهبردی را به عنوان یه مصداق در الزام‌آوری در طراحی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست مؤثر و ضروری می‌دانند (کنان^۱، ۲۰۲۴، تلادی^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). همراستایی و همسویی استراتژیک بین اهداف خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست، سازمان و اهداف و راهبردهای بلندمدت سازمانی که از ضروریات ظرفیت‌سازی نهادی می‌باشد، در قالب سند راهبردی سازمان تدوین می‌شود. ظرفیت‌سازی نهادی، مؤلفه‌ای حیاتی برای همراستایی مناسب اهداف خط‌مشی‌گذاری با استراتژی کسب و کار و در نهایت، پیاده‌سازی آن است (کانابیران و پاندیان^۳، ۲۰۱۰). در این زمینه مشارکت‌کنندگان در پژوهش محورهایی چون خدمات محوری نهادها در حوزه محیط زیست، هماهنگ‌سازی دستگاه‌های ذی‌نقش در زمینه محیط زیست و آموزش انسانی و اصلاح قوانین در حوزه محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود: "بهتره قوانین سازمانی مورد بازبینی قرار بگیره و یه سری قوانین که در راستای محیط زیست نیست یا در تعارض رد اجرا هست مورد اصلاح اساسی قرار بگیرد." (مشارکت‌کننده، ۷).

مقوله محوری: حادثه یا اتفاق اصلی که یک سلسله‌کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود (استراوس و کورین، ۱۳۹۳). مقوله محوری این تحقیق در دو زمینه تمرکززدایی در حوزه محیط زیست و تقویت هویت اجتماعی - زیستی است که مشخصات آن به شرح جدول (۲) می‌باشد:

¹ Keenan

² Teladia

³ Kanabiran and Pandian

جدول (۲): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به مقوله محوری

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
تمرکز زدایی در حوزه محیط زیست	آگاهی زیست محیطی	ایجاد آگاهی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در زمینه محیط زیست
		تقویت آگاهی اجتماعی در زمینه حفظ منابع زیستی
		بسترسازی برای دانش‌سازمانی در زمینه محیط زیست و رویه‌های زیستی در سازمان
	استراتژیک کنترل	ایجاد سازوکارهای کنترلی مناسب جهت بررسی اقدامات سازمان‌ها در زمینه فعالیت مخرب زیستی
		تدوین قوانین و شاخص‌های استراتژیک در زمینه محیط زیست و فعالیت‌های زیستی سازمان‌ها
		ایجاد هنجارهای کنترلی دموکراتیک زیست‌محیطی در راستای توسعه مشارکت شهری
	مشارکت فراگیر	تقویت هماهنگی نهادها و سازمان‌های زیست‌محیطی با یکدیگر
		ایجاد گفت‌وگو راهبردی توسعه شهری و سازمانی متناسب با زیست‌بوم
		دسترسی مردم و سازمان‌ها به حوزه‌های مشارکت شهروندی همچون سمن‌ها
تقویت هویت اجتماعی - زیستی	هویت شهروندی سبز	تقویت احساس تعلق به محیط پیرامونی شهری
		پذیرش تنوع اجتماعی در حوزه مشارکت شهروندی سبز
		برخوردار شدن نهادهای شهری از توان سیاست‌گذاری در مسائل زیست‌محیطی
		تقویت فرهنگ ارزش‌مداری زیست‌محیطی شهروندان
		اولویت داشتن منافع زیست‌محیطی بر منافع فردی
	ظرفیت‌های تقویت‌نوعه به	توجه به زیست‌بوم‌های شهری و تمایز‌گذاری در بهره‌وری از آن‌ها در نهادهای مرتبط
		بررسی اکولوژیک مناطق شهری و استقرار نهادهای اجتماعی متناسب با حفظ بوم
		ایجاد نهادهای عمومی و مشارکت همگانی در حفظ گونه‌های زیست‌بوم
		تخصیص منابع به نهادهای مرتبط با اجرای برنامه‌های محافظت زیست‌محیطی در سازمان‌ها
	کلان ریزی برنامه	ایجاد برنامه‌ریزی در حوزه محیط زیست در سازمان‌ها
		کنترل منافع سازمانی در حوزه محیط زیست
		ایجاد اهداف و برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در زمینه محیط زیست در سازمان‌ها

تمرکز زدایی در حوزه محیط زیست: تمرکز زدایی در حوزه محیط زیست از جمله چالش‌های اصلی و محوری مورد اشاره مشارکت‌کنندگان در پژوهش بود در این زمینه به سه بُعد تقویت آگاهی زیست‌محیطی، کنترل استراتژیک در حوزه محیط زیست و تقویت مشارکت فراگیر در سایر نهادها و سازمان‌ها در حیطه محیط زیست مورد اشاره بود که در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌شود: "بهرتر هست در هر سازمان، شرکت و وزارت خانه به کمیته محیط زیست وجود داشته باشد تا علاوه بر اینکه به تصمیمات سازمان در حوزه محیط زیست و تبعات اون توجه کنه، پیشنهادات قانونی خود رو به سازمان محیط زیست ارائه بده" (مشارکت‌کننده، ۱۷).

تقویت هویت اجتماعی-زیستی: از دیگر محورهایی که مورد توجه و تأکید در این زمینه بود تقویت هویت اجتماعی - زیستی در میان منابع انسانی سازمان‌ها است که منجر به ایجاد گرایش زیستی در جامعه می‌شود. در این زمینه سه محور اصلی تقویت هویت فرهنگی سبز، توجه به ظرفیت‌های نهادی در حوزه محیط زیست و ایجاد برنامه‌ریزی مورد توجه بود.

در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره می‌شود: "در زمینه توجه به محیط زیست باید در سازمان‌ها برنامه‌ریزی کلان وجود داشته باشد تا از عملکرد مقطعی و سلیقه‌ای جلوگیری بشود، در این زمینه بهتر است برنامه‌های کلان داشته باشیم و برنامه‌ها رو خودمون به صورت مقطعی اجرا" (مشارکت‌کننده، ۳).

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای نشان‌دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده دلالت می‌کند. به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). مشخصات آن به شرح جدول (۳) است:

جدول (۳): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
عوامل زمینه‌ای	فعالیت‌های خاص	فعالیت بخش‌های خصوصی در زمینه محیط زیست و حفاظت از آن
		خلاقیت و ابتکارات بخش خصوصی که موجب کاهش در هزینه‌های جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست
		ارتقای سطح دانش و آگاهی زیست‌محیطی بخش خصوصی
	رویکردهای حفاظتی	رویکردهای حفاظتی موجود در زمینه محیط زیست
		توجه به حفاظت از محیط زیست در سازمان‌ها
		نحوه مدیریت فرآیندهای سازمانی در راستای حفاظت از محیط زیست
		استفاده از رویکردهای برندینگ و بازاریابی سبز
	عوامل مدیریتی	برنامه‌های حمایتی دولت از سازمان‌های حامی محیط زیست با دادن مشوق‌ها
		سیاست‌گذاری در زمینه فرهنگ‌سازی سبز در سازمان‌ها
		ایجاد ساختار سازمان‌ها در زمینه حفاظت از محیط زیست

ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست نه در خلأ، بلکه در شرایط زمینه‌ای شکل می‌گیرد که بر آن اثرگذار است بنابراین توضیح ظرفیت‌سازی نهادی و مشارکت شهروندی به فهم عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، شامل فعالیت بخش‌های خصوصی، رویکردهای حفاظت از محیط زیست و عوامل مدیریتی در کشور و سازمان‌ها وابسته است. ظرفیت‌سازی نهادی در حوزه محیط زیست و مشارکت اجتماعی در این زمینه به تعامل بخش‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی وابسته است (لی‌گیلر^۱، ۲۰۲۴، کانسا^۲ و همکاران، ۲۰۲۴ و باندز^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). در این زمینه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره می‌شود:

¹ Lee-Geiller

² Canessa

³ Bondes

"دولت و سازمان‌های متولی حفاظت از محیط زیست باید برنامه‌های حمایتی از سایر بخش‌های تولیدی در زمینه حفاظت از محیط زیست داشته باشند، مثلاً مشوق‌های مالیاتی یا دادن وام کم بهره برای بروز کردن خطوط تولید کارخانه‌ها تا مانع از آلودگی زیست محیطی بشوند." (مشارکت‌کننده، ۵).

شرایط مداخله‌گر

شرایط کلی که بر چگونگی فرآیندها و راهبردها تأثیر می‌گذارد. شرایطی که باعث تشدید یا تضعیف پدیده‌ها می‌شوند (استراوس و کورین، ۱۳۹۳). این شرایط به شرح جدول (۴) می‌باشد:

جدول (۴): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
شرایط محیطی	قوانین و مقررات	قدرت دولت، نفوذ ارکان حاکمیتی در شرکت‌های دانش‌بنیان، وضعیت شرکت‌ها
		پایش قوانین در زمینه محیط زیست
		نیازسنجی در زمینه وضع قوانین حمایتی از محیط زیست در سازمان‌ها
	ساز و کارهای اقتصادی	ایجاد ثبات اقتصادی و بسترهای آن برای سازمان‌ها و شرکت‌ها
		انعطاف‌پذیری در رویه‌های سازمان‌ها
		توجه به بازاریابی سبز در سازمان
		علم‌گرایی در مدیریت اقتصادی سازمان در حوزه محیط زیست
	پیشران‌های محیطی	ایجاد بسترهای تکنولوژی جهت حفظ محیط زیست
		ایجاد دانش و زمینه‌های پژوهش‌های زیست محیطی در سازمان‌ها
		ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد در زمینه حفاظت از محیط زیست و زیست بوم مناطق
		توجه علمی به تغییرات زیست محیطی و تطبیق محیط انسانی با آن
		عقلانی‌سازی بهره‌گیری از منابع زیستی موجود در مناطق
		نبود دیدگاه سیاسی و سیاست‌زدگی در تصمیمات تأثیرگذار بر زیست بوم مناطق

ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست تحت تأثیر عوامل زیادی است، در این زمینه طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان ایجاد قوانین و مقررات تسهیل‌گر در زمینه مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست، توجه به سازوکارهای اقتصادی برای توجه به مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست و توجه به پیشران‌های اقتصادی در حوزه محیط زیست چون توجه به پژوهش‌های زیست محیطی در سازمان‌ها، ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد، توجه علمی به تغییرات زیست محیطی و تطبیق محیط انسانی با آن، عقلانی‌سازی بهره‌گیری از منابع زیستی موجود در مناطق و نبود دیدگاه سیاسی و سیاست‌زدگی در تصمیمات تأثیرگذار بر زیست بوم مناطق است. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌شود: "باید در سازمان‌ها به پژوهش و تحقیق علمی در زمینه محیط زیست و تطابق دادن فعالیت، محصولات، فرآیند و اهداف سازمان در زمینه محیط زیست توجه شود. سازمان‌های مختلف بنا به رسالت خود باید به محیط زیست و همراستایی با آن توجه داشته باشند" (مشارکت‌کننده، ۹)

"باید در زمینه محیط زیست به صورت اصولی نگاه بشه، نه اینکه فلان نماینده یا مسئول برای اینکه خودش رو مطرح کنه طرح و کارخونه‌ای رو در حوزه خودش ایجاد کنه که هیچ تناسبی با منطقه نداره، مثلاً داریم نماینده‌ای که در استان

خشک، کارخونه فولاد که نیاز به آب زیاد داره تأسیس کرده، به نظرم این خیانت به آیندگان اون منطقه هست" (مشرکت-کننده، ۱۱).

راهبردها

راهبردها به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده اشاره دارد که هدف آن اداره پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت در برابر آن است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳). در جدول (۵)، راهبردها ارائه شده است:

جدول (۵): کدهای باز و مقوله‌های مربوط به راهبردها

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
راهبردها	ارتقاء سطح مسئولیت‌های اجتماعی	توسعه رویکرد مسئولیت‌های اجتماعی در سازمان‌ها و آحاد جامعه
		اولویت‌های گزارش دهی در زمینه فعالیت‌های زیست محیطی سازمان
		توجه به آگاهی بخشی اجتماعی در زمینه محیط زیست
	نیازسنجی استراتژیک	کنترل اثربخش کسب و کار، یکپارچگی بین مدیریت، اعضای هیئت مدیره و سهامداران در زمینه حفاظت از محیط زیست
		تعادل سازی بین نیازمندی‌های کسب و کار و محیط زیست
		بازطراحی محصولات و به‌روزرآوری مستمر آن‌ها در راستای دستیابی به اصول کیفی و سبز
		مدیریت کسب و کار در راستای مدیریت منابع انسانی سبز
	مسئولیت‌های محیطی	ایجاد برنامه‌ها و زمینه‌های تشویقی برای توجه به محیط زیست و مسائل آن در سطح اجتماع و سازمان‌ها
		ایجاد استراتژی‌ها و اهداف سازمانی در راستای حفاظت از محیط زیست
		توجه به فرهنگ‌سازی در حوزه مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست

ارتقای سطح مسئولیت اجتماعی: از جمله راهبردهای مؤثر بنا به مصاحبه‌های صورت پذیرفته با متخصصان حیطة موضوعی توجه به اصول ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. در این زمینه مؤلفه‌هایی همچون توجه به رویکردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح جامعه و سازمان‌ها، گزارش دهی در زمینه فعالیت‌های زیست محیطی و توجه به آگاهی بخشی اجتماعی در حوزه محیط زیست بود. در همین راستا مشارکت‌کننده (۴) بیان داشت: " رویکردهای مختلفی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود داره که باید در این زمینه به رویکردهای فعال در جهت مسئولیت‌پذیری مردم توجه بشه. "

نیازسنجی استراتژیک: از جمله راهبردهای مؤثر در مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست، توجه به نیازسنجی استراتژیک در این زمینه است. از جمله مؤلفه‌ای این محور شامل کنترل اثربخش کسب و کار، یکپارچگی بین مدیریت، اعضای هیئت مدیره و سهامداران در زمینه حفاظت از محیط زیست، تعادل سازی بین نیازمندی‌های کسب و کار و محیط زیست، بازطراحی محصولات و به‌روزرآوری مستمر آن‌ها در راستای دستیابی به اصول کیفی و مدیریت کسب و کار در راستای مدیریت منابع انسانی سبز است. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مرتبط اشاره می‌شود. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان داشت: " برای اینکه مشارکت شهروندی در حوزه محیط زیست بتونه موفق باشه باید محصولات سازمان‌ها در زمینه کیفی با مسائل زیست محیطی مطابقت داشته باشند نمی‌شه کارخونه خودروسازی خودرویی با آلاینده‌گی زیاد تولید کنه و در کنارش بخش محیط زیست فعال باشه. "

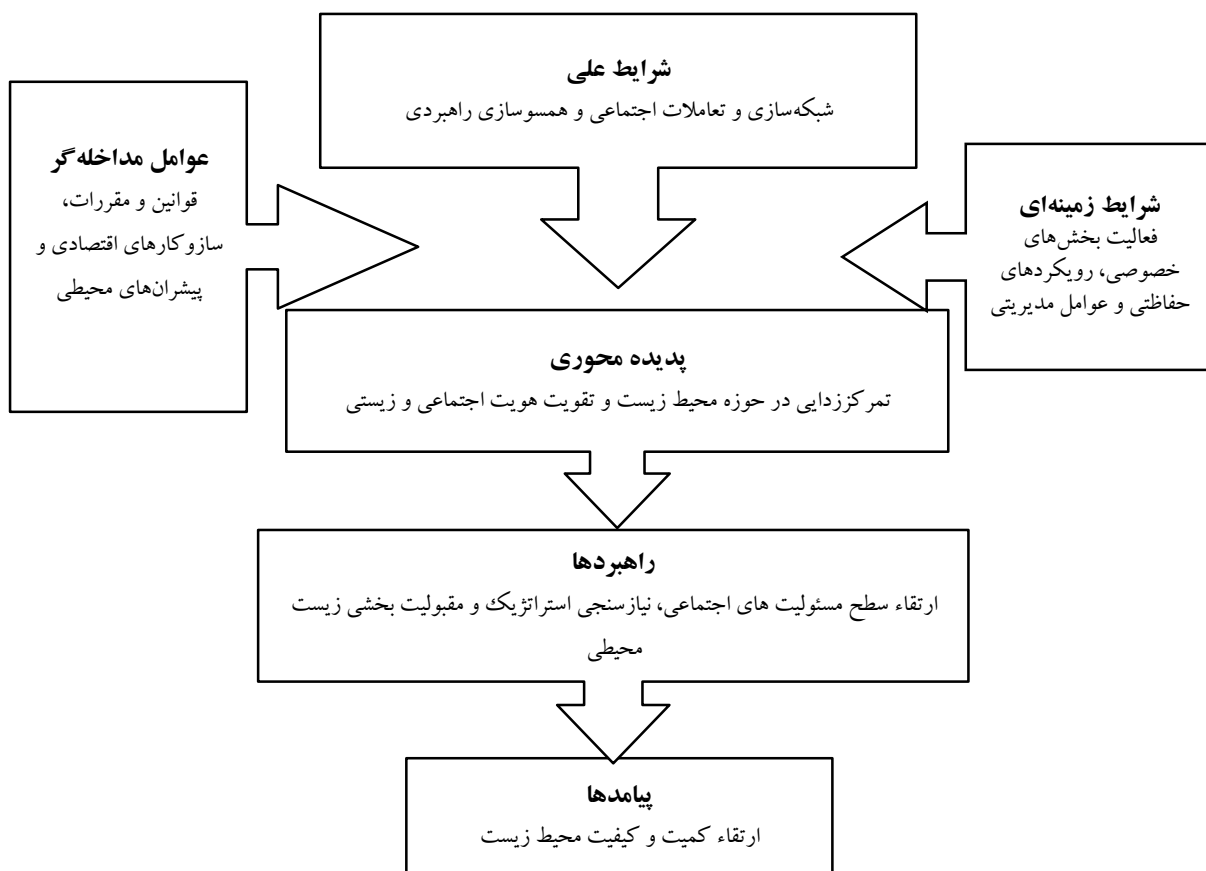
مقبولیت بخشی زیست محیطی: توجه به مقبولیت بخشی به محیط زیست و حفظ آن و از سویی ایجاد زمینه‌های لازم برای آن از جمله راهبردهای مدنظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش بود. در این زمینه مؤلفه‌هایی چون ایجاد برنامه‌ها و زمینه‌های تشویقی برای توجه به محیط زیست و مسائل آن در سطح اجتماع و سازمان‌ها، ایجاد استراتژی‌ها و اهداف سازمانی در راستای حفاظت از محیط زیست و توجه به فرهنگ‌سازی در حوزه مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست مورد تأکید بود در این زمینه مشارکت‌کننده (۲) بیان داشت "باید در زمینه حفاظت از محیط زیست فرهنگ‌سازی بشه تا مردم در این زمینه به صورت خودجوش عمل کنند"

پیامدها

پیامدهای نتایج مستقیم و غیرمستقیم تحقق‌پدیده محوری و اجرای راهبردها می‌باشند (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). نتایجی که به دنبال اتخاذ راهبردها و اقدامات مذکور در زمینه ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست مدنظر است، ارتقاء کمیت و کیفیت فعالیت‌های سازمان در زمینه محیط زیست است، که در این زمینه، بهبود شاخص‌های زیستی مورد توجه است.

مدل پارادایمی برآمده از داده‌ها

با توجه به کدگذاری انجام شده؛ مدل پارادایمی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: الگوی پارادایمی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه تلاش‌های ظرفیت‌سازی در تمام سطوح اجتماعی، به‌عنوان سیاستی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر برای آینده توسعه پایدار مورد دفاع و حمایت قرار گرفته است. از جمله ابعاد این ظرفیت‌سازی، توجه به آن در خط و مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی است که به‌طور خاص در این پژوهش با تمرکز بر موضوعات زیست‌محیطی به آن پرداخته شد. در پژوهش حاضر به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست، از رویکرد داده‌بنیاد استفاده شد. با توجه به روش‌شناسی پژوهش که به صورت نظریه‌برخاسته از داده استفاده شد و یافته‌ها در مدل اشتروس و کوربین بازنمایی شد. نتایج نشان داد که شرایط محوری در این پژوهش با توجه به مسئله اصلی پژوهش حول محوریت تمرکززدایی در حوزه محیط زیست و تقویت هویت اجتماعی-زیستی سازمان یافت. در این میان تحلیل و بررسی مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی نشان دهنده مؤلفه‌هایی چون تقویت آگاهی زیست‌محیطی، کنترل استراتژیک، تقویت مشارکت فراگیر، بهبود هویت‌شهروندی سبز، توجه به ظرفیت‌های نهادی و برنامه-ریزی است. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های وانگ^۱ (۲۰۲۴)، بیلی^۲ و همکاران (۲۰۲۳) و میوتی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) است. میوتی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نبود آگاهی و نبود کنترل استراتژیک از جمله چالش‌های اصلی مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست است. تحلیل و بررسی مصاحبه‌ها نشان دهنده دو بُعد شبکه‌سازی و تعاملات اجتماعی مشتمل بر محورهای چون شبکه‌سازی در حوزه محیط زیست در سازمان، توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و ارتقای سرمایه اجتماعی در سازمان و بُعد همسوسازی راهبردی مشتمل بر محورهای چون خدمات محوری نهادها، هماهنگ‌سازی دستگاه‌های ذی‌نقش و اصلاح قوانین به عنوان شرایط علی‌الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های احمد^۴ و همکاران (۲۰۲۳)، رضانی^۵ (۲۰۲۳) و ژانگ^۶ و همکاران (۲۰۲۳) است. ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توجه به شبکه‌سازی سازمانی در حوزه محیط زیست منجر به بهبود زمینه اجتماعی در زمینه مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست می‌شود.

شرایط زمینه‌ای در پژوهش حاضر مشتمل بر محورهای چون فعالیت بخش‌های خصوصی، رویکردهای حفاظتی و عوامل مدیریتی مورد شناسایی قرار گرفت طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر توجه به مشارکت اجتماعی و سایر نهادهای موجود در جامعه منجر به بهبود مشارکت اجتماعی در زمینه مشارکت‌شهروندی در حوزه محیط زیست می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های وانگ و همکاران (۲۰۲۳)، وینینیا^۷ و همکاران (۲۰۲۲) و گامو و پارک^۸ (۲۰۲۲) است. وانگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که توجه به رویکردهای حمایتی و فرهنگ‌سازی در زمینه محیط زیست منجر به بهبود مشارکت در حوزه‌های محیط زیست می‌شود.

¹ Wang

² Bellelli

³ Mutti

⁴ Ahmad

⁵ Ramezani

⁶ Zhang

⁷ Wainaina

⁸ Gamo & Park

طبق تحلیل بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش عواملی محیطی چون قوانین و مقررات موجود در زمینه محیط زیست، سازوکارهای اقتصادی موجود و پیشران‌های محیطی چون دانش محیطی، ایجاد تشکل‌های مردمی، توجه علمی به تغییرات محیط زیست، عقلانی‌سازی بهره‌گیری از منابع زیستی و عدم نگاه سیاسی در زمینه تصمیم‌گیری‌های مرتبط با زیست بوم مناطق به عنوان عوامل مداخله‌گر مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های سیلتاس^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، چیو^۲ و همکاران (۲۰۲۲) و نیتو رومرو^۳ و همکاران (۲۰۲۲) است. چیو و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توجه علمی به تغییرات زیستی و افزایش دانش عمومی منجر به مشارکت بهتر در حفاظت از منابع طبیعی می‌شود. سه محور ارتقاء سطح مسئولیت‌های اجتماعی، نیازسنجی استراتژیک در زمینه محیط زیست و مقبولیت بخشی زیست محیطی به عنوان راهبردهای مشارکت اجتماعی در زمینه محیط زیست در جامعه و سازمان مورد شناسایی قرار گرفت. در این زمینه توجه به نیازسنجی استراتژیک در حوزه محیط زیست در سازمان‌ها منجر به بهبود مشارکت شهروندی و اجتماعی در زمینه محیط زیست می‌شود یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های کیک^۴ و همکاران (۲۰۲۱) و اگونداز^۵ و همکاران (۲۰۲۱) است. شارما (۲۰۲۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به بهبود مشارکت در حفاظت از محیط زیست می‌شود.

در این پژوهش سعی شد با استفاده از رویکرد داده بنیاد به طراحی الگوی ظرفیت‌سازی نهادی در زمینه‌ی خط‌مشی‌گذاری مشارکت‌شهروندی در حوزه‌ی محیط زیست پرداخته شود تا هر چند گامی کوچک در این زمینه در بستر اجتماعی و سازمانی برداشته شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- سازمان‌ها به طراحی قوانین در حفاظت از محیط زیست پرداخته و رویه‌ها و فرآیندهای سازمانی خود را در راستای آن بازطراحی کنند.
- در محیط سازمانی به نیازسنجی در زمینه اجرای طرح‌های سبز مبتنی بر حمایت از محیط زیست توجه شود.
- در زمینه‌های اجتماعی به فرهنگ‌سازی در زمینه محیط زیست توجه شود و بسترهای فرهنگ سازمانی فراهم گردد.
- دولت با ایجاد بسترهای حمایتی و مشوق‌های مالیاتی زمینه مشارکت بخش خصوصی در زمینه حفاظت از محیط زیست و فعالیت سبز آنان را فراهم آورد.
- با ایجاد شبکه‌سازی و بسترهای تعاملی زمینه انتقال تجارب سازمانی در زمینه مدیریت سبز سازمان‌ها فراهم شده و در زمینه حفاظت از محیط زیست سعی شود ز تمرکزگرایی کاسته شود.

¹ Yeşiltaş,

² Chu

³ Nieto-Romero

⁴ Cicek

⁵ Agúndez

منابع

- آقاعلیخانی، زینب و برک پور، ناصر (۱۳۹۰). مقایسه ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی توسعه پایدار در شهرهای کرج و قزوین. **فصلنامه مطالعات شهری**، ۱(۴)، ۸۱-۹۴.
- آقامیری، حمیده سادات (۱۴۰۰). جایگاه مشارکت شهروندی در اقتصاد سبز شهری با تأکید بر امنیت غذایی (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهرداری تهران). **توسعه پایدار محیط جغرافیایی**، ۳(۴)، ۱۴۲-۱۵۵.
- پاکرو، نازلی و ستارزاده، داریوش (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری مطالعه موردی: شهر تبریز. **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، ۲۲(۶۵): ۷۹-۱۰۱.
- حمیدیان پور، فخریه، رجب پور، ابراهیم، افراخته، سلیمه، مهرابی، عمران. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی پایدار بر سرمایه انسانی. **فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی**، ۱۳۹۸(۵۴)، ۱-۲۲.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، **انتشارات جهاد دانشگاهی**: تهران
- رنجبران، اکرم (۱۴۰۰). مروری بر مدیریت بازاریابی سبز: یک رویکرد ابعادی. **دوماهنامه نگارش‌های نوین مدیریت بازرگانی**، ۲(۳)، ۱-۲۱.
- صفری، مریم و اونق، بی بی عایشه (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین مدیریت منابع انسانی با رفتارهای سبز با توجه به نقش میانجی آگاهی محیطی و نقش تعدیلی رهبری خدمتگذار. **فصلنامه مدیریت سبز**، ۳(۲)، ۱۲۲-۱۳۹.
- عباس زاده، میرمحمد، حسنی، محمد، بازرگان، عباس، نامی، کلثوم. (۱۳۹۷). توسعه منابع انسانی پایدار: اثرات کانال مدیریت دانش و عوامل سازمانی. **دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، ۹(۳۴)، ۱-۲۲.
- فتحی، سروش (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران. **فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری**، ۴(۱۰)، ۱۴۳. [1273562magiran.com/p](http://magiran.com/p/1273562)
- کریمی، فروغ و امیری، محمدجواد (۱۴۰۱). بررسی رابطه آموزش محیط‌زیست و مشارکت شهروندی در راستای ارتقاء کیفیت محیط‌زیستی شهرها. **چهارمین کنفرانس ملی مهندسی و مدیریت محیط‌زیست، قائم شهر**
- لاله پور، منیژه (۱۳۹۶). تحلیلی بر ظرفیت نهادی- مدیریتی فضاهای شهری در ارتباط با مشارکت شهروندان در اداره شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تبریز). **نشریه جغرافیا و توسعه**، ۱۵(۴۹)، ۵۹-۸۰.
- محمدرضائی، حجت‌الله، مداحیان، شیوا، پیوند، علیرضا و سلاجقه، سنجر (۱۴۰۲). طراحی الگوی مدیریت منابع انسانی سبز مبتنی بر فناوری اطلاعات (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی شهر کرمان). **فصلنامه مدیریت سبز**، ۳(۲)، ۳۶-۵۸.
- نیلی پورطباطبایی، سید اکبر، و صالحی عمران، ابراهیم، و هاشمی، سهیلا، و صداقت، مائده. (۱۳۹۵). ارائه کارت امتیازی مدیریت منابع انسانی پایدار در شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات دانش بنیان ایران. **آموزش و توسعه منابع انسانی**، ۳(۱۱)، ۲۵-۴۰.
- Agúndez, J. A. P., Raux, P., Pak, M. V., Cavallo, M., & Lancelot, L. (2022). Top-level institutional policies and their implementation at regional level- A difficult equation. The example of the social acceptability of aquaculture development in Malaga, Spain. *Aquaculture Reports*, 25, 101227.
- Ahmad, M., Peng, T., Awan, A., & Ahmed, Z. (2023). Policy framework considering resource curse, renewable energy transition, and institutional issues: Fostering sustainable development and sustainable natural resource consumption practices. *Resources Policy*, 86, 104173.
- Angel, H. (2015). Measuring policy analytical capacity for the environment: A case for engaging new actors. *Policy and Society*, 34(3-4), 197-208.

- Bellelli, F. S., Scarpa, R., & Aftab, A. (2023). An empirical analysis of participation in international environmental agreements. *Journal of Environmental Economics and Management*, 118, 102783.
- Bondes, M., Kostka, G., & Rabe, W. (2024). ICT-based environmental participation in China: Same, same but digital?. *Environmental Science & Policy*, 154, 103688.
- Canessa, C., Ait-Sidhoum, A., Wunder, S., & Sauer, J. (2024). What matters most in determining European farmers' participation in agri-environmental measures? A systematic review of the quantitative literature. *Land Use Policy*, 140, 107094.
- Chu, Z., Bian, C., & Yang, J. (2022). How can public participation improve environmental governance in China? A policy simulation approach with multi-player evolutionary game. *Environmental Impact Assessment Review*, 95, 106782.
- Cicek, A., Güzel, S., Erdinc, O., & Catalao, J. P. (2021). Comprehensive survey on support policies and optimal market participation of renewable energy. *Electric Power Systems Research*, 201, 107522.
- De La Cruz, P., Acosta, L. E., Mendoza, D., Baltazar, E. B., Ibarra, A. M. A., & Lugo, E. I. E. (2020). Indicators of well-being among indigenous peoples of the Colombian Amazon: Tensions between participation in public policy making and autonomy. *Environmental and Sustainability Indicators*, 7, 100044.
- El-Kassar, A. N., & Singh, S. K. (2019). Green innovation and organizational performance: The influence of big data and the moderating role of management commitment and HR practices. *Technological forecasting and social change*, 144, 483-498.
- Fan, Y., Tang, Z., & Park, S. C. (2019). Effects of community perceptions and institutional capacity on smallholder farmers' responses to water scarcity: Evidence from arid northwestern China. *Sustainability*, 11(2), 483.
- Gamo, B. R., & Park, D. B. (2022). Community capacity influencing community participation: Evidence from Ethiopia. *World Development Perspectives*, 27, 100448.
- Guridi, J. A., Pertuze, J. A., & Pfothner, S. M. (2020). Natural laboratories as policy instruments for technological learning and institutional capacity building: The case of Chile's astronomy cluster. *Research policy*, 49(2), 103899.
- Jeronen, E. (2020). Sustainable development. In *Encyclopedia of Sustainable Management* (pp. 1-7). Cham: Springer International Publishing.
- Keenan, K. (2024). The transportation policy elite and their ladder of citizen participation: Problems and prospects around communication methods in New Jersey. *Cities*, 145, 104732.
- Lee-Geiller, S. (2024). Technology married to good governance and diversity: Explaining e-participation preparedness in government. *Technological Forecasting and Social Change*, 201, 123218.
- Li, W., Wright, P. M., Rukavina, P. B., & Pickering, M. (2008). Measuring students' perceptions of personal and social responsibility and the relationship to intrinsic motivation in urban physical education. *Journal of teaching in Physical Education*, 27(2), 167-178.
- Lu, H., Xu, W., Cai, S., Yang, F., & Chen, Q. (2022). Does top management team responsible leadership help employees go green? The role of green human resource management and environmental felt-responsibility. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29(4), 843-859.
- Mahmoud, T. O. (2018). Impact of green marketing mix on purchase intention. *International Journal of Advanced and applied sciences*, 5(2), 127-135.
- Mehraj, D., & Qureshi, I. H. (2020). Determinants of green marketing mix in developing economies: Conceptualisation and scale validation approach. *Business Strategy & Development*, 3(4), 522-530.

- Mutti, S. M., Jourdain, D., Karuaihe, S. T., Lundhede, T. H., & Mungatana, E. D. (2023). Policies to reduce local participation in illegal hunting: The case of Kafue National Park in Zambia. *Ecological Economics*, 207, 107762.
- Nieto-Romero, M., Parra, C., & Bock, B. (2021). Re-building historical commons: How formal institutions affect participation in community forests in Galicia, Spain. *Ecological Economics*, 188, 107112.
- Okoli, C., & Schabram, K. (2015). A guide to conducting a systematic literature review of information systems research.
- Pandeya, G. P., & Shrestha, S. K. (2016). Does citizen participation improve local planning? An empirical analysis of stakeholders' perceptions in Nepal. *Journal of South Asian Development*, 11(3), 276-304.
- Ramezani, S., Nastaran, M., Nooraie, H., & Otsuki, K. (2023). The role of the institutional environment in land use planning in Iran: A conceptual framework. *Land Use Policy*, 135, 106942.
- Renwick, D. W. S., Redman, T., and Maguire, S. (2013). Green Human Resource Management: A Review and Research Agenda*. *Int. J. Manag. Rev.* 15 (1), 1–14.
- Sharma, A. P. (2021). Consumers' purchase behaviour and green marketing: A synthesis, review and agenda. *International Journal of Consumer Studies*, 45(6), 1217-1238.
- Teladia, A., & van der Windt, H. (2024). Citizen participation gaps and challenges in the heating transition: Learning from Dutch community initiatives. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 189, 113975.
- Vilkaite-Vaitone, N., & Skackauskiene, I. (2020). Factors affecting implementation of green marketing orientation. In SHS Web of Conferences (Vol. 74, p. 01036). EDP Sciences.
- Wainaina, G. K., Truffer, B., & Lüthi, C. (2022). The role of institutional logics during participation in urban processes and projects: Insights from a comparative analysis of upgrading fifteen informal settlements in Kenya. *Cities*, 128, 103799.
- Wang, Y., Zhang, R., Zhao, Y., & Li, C. (2023). A public participation approach in the environmental governance of industrial parks. *Environmental Impact Assessment Review*, 101, 107131.
- Wang, Z., Xie, D., Yang, Y., & Liu, Y. (2024). A process-based evaluation framework for environmental impacts of policy making. *Environmental Impact Assessment Review*, 104, 107351.
- Yeşiltaş, M., Gürlek, M., & Kenar, G. (2022). Organizational green culture and green employee behavior: Differences between green and non-green hotels. *Journal of Cleaner Production*, 343, 131051.
- Zhang, Y., Hu, N., Yao, L., Zhu, Y., & Ma, Y. (2023). The role of social network embeddedness and collective efficacy in encouraging farmers' participation in water environmental management. *Journal of Environmental Management*, 340, 117959.
- Zhang, Z., Liu, Q., Chen, Y., Shao, S., & Tang, Y. (2023). The evolution of central environmental protection inspection policy attention in China: An investigation based on inspection reports. *Chinese Journal of Population, Resources and Environment*, 21(4), 203-211.

Presenting a model of institutional capacity building in the field of citizen participation policymaking in the field of environment: the approach of green management of human resources.

Pooria Salarian¹, Tayyeb Abbasi², Hasan Rangriz³

Abstract

Paying attention to new approaches in green management of human resources and participation in environmental protection is the concern of leading economies and multinational companies. In the meantime, environmental issues and attention to social participation and citizenship are the concern of many environmental and organizational resource management activists. Therefore, the aim of the current research is to design an institutional capacity-building model in the field of citizen participation policymaking in the field of environment. This research was conducted with a qualitative approach and a data-based method. The statistical population includes all experts in the field of environment and green management who were selected through purposeful criterion-based sampling. Data were collected through semi-structured interviews with eighteen university professors and specialists. In order to analyze the data, open, axial and selective coding method was used. Lincoln and Cuban criteria were used to ensure validity and reliability. The results of the research show nineteen core concepts and six selected categories, which in the form of a paradigmatic model include decentralization in the field of environment and strengthening socio-biological identity as core conditions and causal conditions (including axes such as networking and social interactions and alignment strategic), background conditions (including axes such as activities of private sectors, protection approaches and management factors), intervention conditions (including axes such as laws and regulations, economic mechanisms and environmental drivers) and strategic conditions (including axes such as increasing the level of responsibility, strategic needs assessment and environmental acceptability) and consequences were organized.

Keywords: institutional capacity building, citizenship policy, environment and green management

¹ PhD student in Public Administration, Faculty of Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

² Associate Professor, Policy Planning and Public Affairs Department, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)
t.abbasi@ut.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Business Management, Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran